

الهیات تطبیقی

نوع مقاله: پژوهشی

سال یازدهم، شماره بیست و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

ص ۱۱۳-۱۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۲/۱۱

بررسی تقابل دوگانه نمادها در اسطوره زروان لرستان

یوسف علی بیرانوند^۱، دانش‌آموخته دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

yossofali.biranvand@gmail.com

محمد میرزایی رشنو، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

kasit_rashnoo@yahoo.com

چکیده

ساختارگرایان به اصطلاح تقابل دوگانه توجه بسیاری نشان داده‌اند. تقابل دوگانه به این معنا است که تضاد و تقابلی در میان بسیاری از عناصر و پدیده‌ها وجود دارد؛ بنابراین، ذهن انسان برای شناخت پدیده‌ها به نشانه‌های متضاد متوسل می‌شود. این مفهوم در شناخت اساطیر و پدیده‌های رمزآلود و نمادین مؤثر است. آثار باستانی لرستان با محوریت زروان، به سبب منشأ رازآلود مذهبی‌شان، سرشار از نشانه‌ها و نمادهای تقابلی است. در این مقاله، با روش توصیفی تحلیلی کوشش شده است تقابل‌های دوگانه در نقش‌مایه‌هایی از زروان لرستان بررسی شوند. آیین زروانی بر دوگانه‌پرستی تکیه دارد؛ بنابراین، زروان هم مرد و هم زن است و این می‌تواند به انیما و انیموس اشاره داشته باشد. اهورامزدا همراه با نیروهایش در سمت راست زروان و اهریمن نیز با نیروهایش در سمت چپ زروان قرار گرفته‌اند. نمادهای اهورایی به صورت جوانان، گل و روباه و نمادهای اهریمنی به صورت پیران، نوزادان و مار کبری وجود دارد. بیشتر این تقابل‌ها در پیشبرد اهداف مذهبی به کار گرفته شده‌اند.

واژه‌های کلیدی

ساختارگرایی، نماد، تقابل‌های دوگانه، زروان، لرستان

^۱مسئول مکاتبات

مقدمه و بیان مسئله

ساختگرایی یکی از مباحث میان‌رشته‌ای و ابزاری برای شناخت واقعیت است که در بیشتر دانش‌های بشری به آن توجه شده است. هر ساختاری از مجموعه‌ای از تضادها و تقابل‌ها به وجود آمده است. این در حالی است که شناخت تقابل‌های هر ساختار به درک مفهوم کلی آن یاری می‌رساند. آثار هنری نیز از ساختار خاص خود تشکیل شده‌اند. تقابل‌های موجود در آثار هنری، برآمده از فرهنگ سازندگان آن آثار است. در نظام تفکری بیشتر مذاهب تقابل‌هایی دیده می‌شود که راه سعادت و شقاوت را برای پیروانشان روشن ساخته‌اند؛ در این راستا در دین زرتشتی، اهورامزدا در تقابل با اهریمن و در ادیان ابراهیمی، خدا در تقابل با شیطان قرار دارد.

در آثار به‌جامانده از لرستان باستان نیز نشانه‌هایی روشن از تقابل‌های دوگانه را می‌توان دید. در این پژوهش، دو نگاره منسوب به لرستان بررسی شده‌اند (تصویر ۱ و ۲). نمادها و نشانه‌های دیده‌شده در این دو تصویر، حکایت از یک نظام تفکری و مذهبی دارد. این آثار مربوط به دوره آهن است که تقابل میان خیر و شر، اهورامزدا و اهریمن، مرد و زن و ... روی آن نقش شده است. به نظر می‌رسد منشأ این تقابل‌ها بیشتر به دین‌های کهن، از جمله زروانی برگردد که اساس آن بر دوگانه‌پرستی بوده است. تقابل‌ها حول محور زروان می‌چرخند؛ اوست که هم نر و هم ماده است و اهورامزدا و اهریمن را به دنیا آورده است.

اهداف و سؤالات

این پژوهش اسطوره زروان لرستان باستان را با تکیه بر نظریه تقابل، نمادشناسی و رمزگشایی می‌کند؛ بنابراین، با سؤالاتی مانند زیر روبه‌رو است:

۱- نمادهای تقابل دوگانه در نگاره‌های زروان لرستان باستان چگونه تحلیل می‌شوند؟

۲- تفکر زروانی در آثار باستانی لرستان به چه صورتی نقش شده است؟

پیشینه تحقیق

حفاری‌های غیرمجاز در منطقه لرستان و شهرت آثار باستانی این منطقه، باستان‌شناسان را بر آن داشت تا به منطقه سرخ‌دم لری بیایند و به صورت علمی به کاوش پردازند. محوطه سرخ‌دم لری در دامنه کوهی مشرف به روستایی به همین نام در کوه‌دشت لرستان واقع شده است (دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایرانشهر، ۱۳۹۹). «اریک اشمیت» و گروهش در سرخ‌دم لری به کاوش پرداختند (Schmidt et al., 1989). همچنین، گروهی بلژیکی به سرپرستی «واندنیگ» (۱۳۷۹) در سال ۱۹۶۵م با هدف کشف تمدن لرستان باستان در محوطه‌های بردبال چنارباشی و چم‌ژی مومه دست به حفاری زدند. سرانجام پژوهشگران داخلی، آثار مکشوفه باستان‌شناسان خارجی را طبقه‌بندی و توصیف کردند که از این آثار به موارد زیر اشاره می‌شود: مجیدزاده (۱۳۶۷) برای نخستین‌بار کوشیده است به صورت علمی سرسنجاق‌های مفرغی لرستان را تاریخ‌گذاری کند. نگهبان (۱۳۷۶) در کتابی به توصیف و تحلیل مفرغ‌های لرستان همت گماشته است. او در این اثر کوشیده است مفرغ‌های لرستان را تاریخ‌گذاری و تعیین هویت کند. هژبری نوبری و سبزی دوآبی (۱۳۹۰) در اثری سنجاق‌های میله‌ای لرستان را بررسی و طبقه‌بندی کرده‌اند. علیزاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی و طبقه‌بندی مفرغ‌های لرستان براساس کاربرد آنها پرداخته است. دو نگاره بررسی شده در مقاله حاضر، منسوب به لرستان‌اند؛ این بدان معنی است که در حفاری‌های مجاز به دست نیامده‌اند تا از محل دقیق کشف و کاشف آنها آگاهی داشته باشیم؛ با این حال، پژوهشگرانی مانند گیرشمن و یکتافر، با تکیه بر سبک

هنری این آثار، آنها را مکشوف از لرستان دانسته‌اند (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۲۰ و یکتافر، ۱۳۹۰: ۱۹).

روش پژوهش

این پژوهش براساس روش توصیفی تحلیلی خواهد بود. در این روش، مهم‌ترین اسناد به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری، توصیف و تحلیل می‌شوند. با توجه به اینکه هدف این پژوهش، بررسی تقابل‌های دوگانه در اسطوره زروان لرستان است، می‌باید تصاویر را به واحدهای کوچکی که دیده می‌شوند، تقسیم و روابط بین واحدها را بررسی کرد.

مبانی نظری

تقابل

ساختارگرایان با تکیه بر توصیف ساختارها می‌کوشند شناختی از جهان هستی به دست دهند. آنها «تمام پدیده‌های عالم را دارای ساختارهای مشخص می‌دانند. به سخن دیگر، از نظر اینان، هیچ‌چیز در عالم امکان رخ نمی‌دهد، مگر طی روابطی مکرر، مشخص و همیشگی» (شایگان‌فر، ۱۳۸۴: ۸۳). ساختارگرایی می‌کوشد «به بررسی قوانین ترکیب، هم در طبیعت و هم در موضوعات انسانی بپردازد و رابطه‌ها را بررسی کند» (گرین و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۷۷). چنین روشی «تا حدود زیادی به آنچه نشانه‌ها واقعاً می‌گویند، کاری ندارد و به جای آن بر روابط درونی آنها با یکدیگر تکیه می‌کند» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۳۴). تقابل دوگانه «اساسی‌ترین مفهوم در ساختارگرایی است؛ به نظر ساختارگرایان، اساساً تفکر انسانی بر این بنیاد است: بد/خوب، زشت/زیبا و در طبیعت هم چنین است: شب/روز، سفید/سیاه» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۲۱۴). اصطلاح تقابل‌های دوگانه از انگلیسی binary opposition گرفته شده است. binary در زبان انگلیسی نشانه دوگانه بودن است و به ستارگانی که در کنار یکدیگر قرار دارند، binary star گفته می‌شود (Guddon, 1999).

۸۲). «استراوس^۱ بنیانگذار این شیوه از تفکر است. او با روش تقابل دوگانه فهم تازه‌ای از فرهنگ‌های جهانی ارائه داده است. استراوس «تقابل‌های دوگانه را مهم‌ترین کارکرد ذهن جمعی بشر می‌داند. به نظر او، نیاکان اساطیری ما چون از دانش کافی برخوردار نبودند، برای درک و شناخت جهان پیرامون خود دست به خلق تقابل‌های دوگانه می‌زدند؛ از این رو، ساختار تفکر انسان بر روی تقابل‌های دوگانه مثل خوب/بد و ... بنا شده است» (برتنس، ۱۳۸۴: ۷۷). استراوس می‌کوشد برای تحلیل اسطوره ساختار آن را بررسی کند. از نظر او «در یک اسطوره ارتباطات واحدهایی وجود دارد که از هم جداشدنی نیست؛ اما وحدتی از ارتباطات ترکیب‌شده برای کشف معنا در پشت اسطوره وجود دارد» (Lévi-Strauss: 1974: 232). یک اثر هنری می‌تواند با نشانه‌ها، نمادها و آنچه وابسته به فرهنگ است، نشان داده شود. «اندیشه تقابل‌های دوگانه پیشنهاد می‌کند معنای چیزی وابسته به متضاد آن است؛ به‌طور مثال، معنای خوب وابسته به بد است» (Fourie, 2007: 249). استراوس «در بررسی اساطیر، ابتدا آنها را به واحدهای کوچک‌تری به نام میتیم تقسیم می‌کند و از این طریق، سعی می‌کند معنای استعاره‌ی اساطیر را بیرون بکشد» (اخوت، ۱۳۹۲: ۵۶).

زروان

شاید کهن‌ترین مدارک ما درباره نام زروان، مربوط به محوطه «نوزی» باشد که در اطراف «کرکوک» کنونی در کشور عراق واقع شده است. مردمی که در این محوطه می‌زیسته‌اند، به زبان «خوری» سخن می‌گفته‌اند؛ خوری یکی از زیرشاخه‌های اکدی است که متعلق به قرن دوازدهم پیش از میلاد است و در آن نام za-ar-wa-an شباهت زیادی با نام زروان دارد. علاوه بر این، مدارک

دیگری نیز وجود نام این ایزد را پیش از عهد ساسانی نشان می‌دهد؛ از جمله اوستا و آثار مهری اروپایی؛ ولی اطلاعات وسیع ما درباره زروان به دوره ساسانیان می‌رسد که مدارک پهلوی، مانوی، ارمنی و سریانی بسیاری درباره زروان و دین زروانی در دسترس ما قرار می‌دهد (بهار، ۱۳۹۳: ۱۲۲). آموزگار درباره زروان می‌گوید:

«زروان ایزد زمان است که برای پیروان کیش زروانی، خدایی است که سرشتی جاودانه و دوگانه دارد و دو برادر توأمان اورمزد و اهریمن را در بطن خود می‌پرورد. زروان در اوستا نام خدای کم‌اهمیتی است؛ اما در متن‌های پهلوی که نشان‌دهنده سنت دوره ساسانی است، شخصیت برجسته‌ای می‌یابد. از لحاظ قدمت، در برخی از متون، او را همچون اورمزد و اهریمن، قدیم به‌شمار آورده‌اند؛ چون ایزد زمان آغاز ندارد و خود آغاز همه چیز است. گاهی نیز به صراحت آفریده اورمزد ذکر شده است. در یورش دوم اهریمن به آفرینش، اورمزد از ایزدان زمان می‌خواهد که آفرینش را به حرکت درآورد و به این ترتیب، قرار و زمان جهان از اوست. سرنوشت آدمیان به دست این ایزد تعیین می‌شود» (آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۴).

داستان آفرینش از زروان براساس منابع پهلوی و روایتی که «از نیک»^۱ - فیلسوف ارمنی - ارائه کرده است بسیار به هم شبیه است. طبق این روایات، پیش از آنکه چیزی وجود داشته باشد، تنها زروان وجود داشت (کاوینی پویا و پیله‌وریان، ۱۳۹۵: ۱۳۸). زروان هزار سال به قربانی کردن مشغول بود؛ تا اینکه از او پسری نیکو زاده شود. پس از آن یک‌هزار سال به شک افتاد که آیا این همه قربانی سودی دارد و پسری از او متولد می‌شود یا نه. در این هنگام که او در این فکر بود، اهریمن و هرمزد زاده شدند؛ هرمزد به سبب خواست او به داشتن فرزند و

اهریمن به سبب شک او متولد شدند. زروان چون از وجود فرزند آگاهی یافت و ظاهراً چون دانست که هرمزد به دهانه زهدان نزدیک‌تر است، سوگند خورد که هر یک زودتر به نزد من آید، سلطنت جهان را به او خواهم داد. هرمزد که از خود زروان پدید آمده بود و از اندیشه پدر آگاه بود، در همان زهدان، اهریمن را از اندیشه پدر آگاه کرد. اهریمن وقتی از واقعیت باخبر شد، تلاش کرد پیش از هرمزد از زهدان خارج شود؛ اما هرمزد به دهانه زهدان نزدیک‌تر بود؛ به همین دلیل، اهریمن زهدان را درید و از شکم بیرون آمد و چهره زشت خود را به زروان نشان داد و گفت: من فرزند تو هستم. زروان چنین فرزندی را که همه تیرگی و گند بود و وجودی پرستیز داشت، نپسندید.

در همین هنگام، هرمزد زاده شد که روشن و خوشبو بود و زروان دانست که این پسر دلخواه اوست؛ اما زروان چون سوگند خورده بود جهان را به اهریمن سپرد و گفت: ای اهریمن، من تو را شاه می‌کنم تا به مدت نه هزار سال سلطنت کنی؛ اما من هرمزد را چنان آفریده‌ام که بر تو غلبه می‌کند و پس از دوره نه‌هزار ساله تو، او به شاهی جهان خواهد رسید. سپس زروان به هرمزد دسته برسم یا ساقه‌های مقدس داد که نشانه موبدی بر جهان است و به او گفت: تا الآن برای آمدن تو من قربانی کرده‌ام؛ اما از این پس، این تویی که برای من قربانی خواهی کرد. بدین‌گونه اهریمن، شاه جهان شد و هرمزد به یاری قربانی کردن‌ها سرانجام بر او پیروز خواهد شد (دادگی، ۱۳۹۵: ۳۳-۳۸؛ گزیده‌های زاداسپریم، ۱۳۶۶: ۱-۴).

۴؛ Eznik, 2011: 35-38

بهار درباره زروان در آیینمانی می‌گوید «زروان در منابع مانوی، خدای ازلی است و او را پدر بزرگی خوانند فوق زروان در دین مانوی. زروان در رأس جهان خدایان قرار دارد؛ در حالی که زروان در دین زردشتی در فوق دو جهان هرمزدی و

ساده‌تر، اهریمن پرستند که بقایای این اندیشه را می‌توان در اعتقادات فرقه یزیدیه دید» (اکبری مفاخر، ۱۳۸۸: ۳۵). «زرن^۲» درباره آیین زروانی می‌گوید «تسلط زروانی تا عهد شاپور اول ساسانی، یعنی تا زمان ظهور مانی وجود داشته است؛ بنابراین، زروانی صورت رایج زرتشتی‌گری در آن عصر تلقی می‌شده است» (زرن، ۱۳۸۴: ۴۹).

تقابل در نقش‌مایه‌های زروان

روی صفحه‌ای نقره‌ای (تصویر ۱) به‌دست‌آمده از لرستان که در موزه «سین سیناتی»^۳ نگهداری می‌شود، «نقش زروان که هم مرد و هم زن است، در مرکز صفحه قرار دارد و در کنار آن در نقش دیگری، تقدیم برسماها به پسران دو قلوبی خدای اولیه دیده می‌شود. زروان خدای سه شکلی بوده و به این طریق، سه دوران زندگی در روی زمین را مجسم می‌کرده است؛ بنابراین، او را در این سه گروه (جوان، بالغ و پیر) باید شناخت که دسته‌های نخل می‌آورند؛ این موضوع نشانه تسلط او بر جهان است. در این مجلس، زروان از روبه‌رو نشان داده شده و این امری طبیعی است؛ چون در واقع او را برای نشان دادن نقش کرده‌اند؛ ولی اشخاصی که در کنار او به‌طور جبهه‌ای ردیف شده‌اند، مشغول انجام کاری‌اند و مظاهری از زروان‌اند که برسما را به دوقلوهای نشان می‌دهند که خدای دو جنسی به وجود آورده است» (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۵۲).

ویلیام کالیکان معتقد است برگ‌های ساقه‌بلند نخل در دست جوانان در سمت راست زروان و سالخورده‌گان در سمت چپ زروان ظاهراً هدیه عالم روحانی است که در هنر لرستان مکرر دیده می‌شود (کالیکان، ۱۳۸۵: ۲۰).

اهریمنی قرار می‌گیرد. در دین مانوی (برخلاف دین زردشتی) زروان وظیفه داوری را بر عهده ندارد؛ اما آفرینش خدایان و صدور آنها از اوست» (بهار، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۳).

به نظر می‌رسد «آیین زروانی، بیشتر یک نهضت فلسفی و متفکرانه در بطن دین زرتشتی است؛ تا اینکه فرقه‌ای متمایز از دین بهی بوده باشد» (هینلز، ۱۳۸۶: ۲۰۷ و آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۵). در آیین مهر «اهریمن پرستش می‌شده (است) و البته در رأس نظام میتراپی، زمان مطلق یا زروان قرار دارد» (کریستن سن، ۱۳۸۸: ۱۲۱، بنونیست، ۱۳۸۶: ۴۶ و ۵۸). به عقیده «نیبرگ»^۱، زروان با پدیده‌ها و عوامل طبیعی مانند خورشید، ماه و برج‌های آسمان که گذر زمان را مشخص می‌کند، رابطه مستقیم دارد (نیبرگ، ۱۳۸۳: ۴۰۷). با توجه به اینکه «جهان ساخته اهورامزدا است، زرتشت زمان (زروان) را که زاده طبیعت است، مقدس می‌دانست» (وکیلی، ۱۳۹۱: ۳۱).

با بررسی برخی آثار فلزی باستانی لرستان در عصر آهن، شواهدی از آیین زروانی در نقوش آنها وجود دارد که حکایت از آشنایی مردم لرستان در آن دوره با کیش زروانی دارد. از جمله این شواهد، تصویر فردی است با یکی از خصوصیات مرد و زن و نیروهایی که در تقابل با هم قرار گرفته‌اند؛ در ادامه به آنها پرداخته شده است. مذهب زروان، خدای سرنوشت و خدای آسمان، اصل دوگانگی است که مولد جنگ میان عنصر نیکی (اهورامزدا) و عنصر زشتی (اهریمن) است. زروان در مرکز تاریخ مذاهب قدیم ایران قرار می‌گیرد. در ضمن اثبات می‌شود مذهب زروان پیش از تعلیمات زرتشت وجود داشته است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۵۱). در میان زروانیان «به گروهی اشاره می‌شود که اهریمن و نیروهای اهریمن را محور تفکر دینی خود قرار داده‌اند. به عبارت

2. Robert Charles Zaehner
3. Cincinnati

1. Henrik Samuel Nyberg



تصویر ۱: تقابل میان نیروهای اهورامزدا و اهریمن در صفحه نقره‌ای مکشوف از لرستان که محل دقیق کشف آن مشخص نیست. محل نگهداری آن موزه سین سینا است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۲۰).

زن است» (یونگ، ۱۳۷۰: ۴۰۴، همان، ۱۳۹۳: ۳۳) نمادها با توجه به اینکه ریشه در ناخودآگاه همگانی^۳ بشر دارند، برای همه پذیرفتنی‌اند و در بسیاری از موضوعات مشترک‌اند. به باور یونگ، انسان اولیه در ناخودآگاه خود بیشتر سیر می‌کرده و همه‌چیز برایش رمزآلود بوده است (یونگ، ۱۳۹۰: ۹۸). با تکیه بر نظریه «یونگ»، با توجه به اینکه هر انسانی دو جنبه مرد و زن را در درون خود دارد، اینگونه نگاره‌ها را به‌عنوان تجسد خدا می‌پذیرفته است. همچنین، در ایران باستان، اعتقاد به «دینا» یا «دین» داشتند که در سفر آخرت «در هیئت دوشیزه‌ای دل‌فریب یا پیرزنی بدترکیب بر روح ظاهر می‌شد» (ژینیو، ۱۳۹۵: ۱۵). این باور، پیوند زیادی با نگاره زن در پایین چهره مرد دارد؛ زیرا دنیای مردگان در پایین قرار دارد.

تقابل میان کودکی، جوانی و پیری در این تصویر به‌خوبی نشان داده شده است. با تکیه بر نقش گل هشت‌پر

در این تصویر، زروان به‌صورت یک مرد با چهره‌ای باابہت، به‌همراه ریش روی بالاتنه و چهره یک زن زیبا روی سینه‌اش نقش شده است که تقابل زن و مرد در آن دیده می‌شود. اینکه مرد در بالا قرار دارد و زن در پایین، به این موضوع اشاره دارد که «آسمان، فعال و مذکر است و درمقابل، زمین، اصل انفعالی و مؤنث قرار می‌گیرد ... عمل آسمان بر زمین موجب ایجاد تمامی موجودات می‌شود؛ ازاین‌رو، رسوخ آسمان در زمین به‌مثابه یک وصلت جنسی انگاشته می‌شود» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۱/ ۱۸۹) و زروان، آسمان و زمین را در خود نهفته دارد. «سپهر را که همچون چرخ‌خی دانسته‌اند و گاهی آن را خدایی مستقل به‌شمار آورده‌اند، تن زروان فرض کرده‌اند» (آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۵). وجود زن و مرد با هم می‌تواند به روح زنانه مرد یا همان انیما^۱ و روح مردانه زن یا انیموس^۲ نیز اشاره داشته باشد. «انیما مظهر طبیعت زنانه ناخودآگاه مرد و انیموس مظهر طبیعت مردانه ناخودآگاه

۱. ناخودآگاه همگانی یعنی «بخشی از روان که میراث روانی مشترک

بشریت است» (یونگ، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

4. Karl Gustav Jung

1. Anima
2. Animus

نقش کنندگان این صفحه می‌خواسته‌اند تفاوتی در بین این دو دسته وجود داشته باشد. با این تفاوت‌ها است که در دین زرتشت تقابل اهورامزدا و اهریمن تبدیل به تضاد میان نیروهای خیر و شر می‌شود. اهورامزدا و اهریمن روی شانه زروان ایستاده‌اند و به نحوی قدرت این خدای بزرگ بیشتر خودنمایی می‌کند. در قسمت چپ زروان، چهار پیرمرد ایستاده و سه نوزاد به حالت چهاردست‌وپا دیده می‌شوند. بندهشن، آفریدگان اهریمن را دیو نامیده و آنها را اینگونه نام برده است: آکومَن، ساوول، ناگهیس، تَرومد، تریز و زیرز و اهریمن (دادگی، ۱۳۹۵: ۳۸؛ موله، ۱۳۹۵: ۱۲۳). در این قسمت از تصویر، پیری و نوزادی برای اهریمن نقش شده که نشانه ضعف است. اهریمن و نیروهایش بیان‌کننده کهن‌الگوی سایه‌اند. «سایه بازتاب‌یافته از ذهن خودآگاه فرد، شامل جنبه‌های پنهان، واپس‌نهاد و نامطبوع شخصیت است» (یونگ، ۱۳۹۳: ۱۷۵). در اینجا ناتوانی برای انسان‌ها ناپسند است؛ بنابراین، آن را به اهریمن نسبت داده‌اند.

در سرسنجاقی به‌دست‌آمده از سرخ‌دم لری کوه‌دشت، بار دیگر زروان نقش شده است (تصویر ۲). این بار چهره او هم ویژگی‌های مردانه و هم ویژگی‌های زنانه دارد. ابروان پرپشت و چهره زمخت او نشانه‌هایی بر مردانگی و موهای تاج‌مانندش دلالت بر زنانگی او دارد. در قسمت سمت راست زروان، گلی وجود دارد که به نظر می‌رسد نیلوفر یا آفتاب‌گردان باشد که در هر صورت، نماد اهورامزدا است. حیوانی که به نظر می‌رسد روباه یا شغال باشد، با لباس انسانی و برسم به‌دست در این قسمت از نگاره حک شده است. در کشورهای دیگر نیز نمادهای روباه جالب توجه است و با خدایان مثبت ارتباط دارد. «روبه نقره‌ای در نزد سرخ‌پوستان کالیفرنیا مرکزی،

در سمت راست زروان، نیروهای سمت راست زروان مرتبط با اهورامزدا هستند؛ زیرا «در پی کاوش‌های باستان‌شناسی که «دیوید استروناخ»^۱ در آرامگاه کوروش بزرگ انجام داد، آثاری از حجاری نقش گلی بر پیشانی مقبره به دست آمد که استروناخ آن را نمادی از اهورامزدا دانست» (خسروی، ۱۳۸۳: ۹۵). هفت موبد یا فرشته در این تصویر دیده می‌شوند که یکی از آنها با گذشت زمان خوردگی پیدا کرده است. چهار نفر از فرشتگان بر سر پا ایستاده‌اند و در حال کسب فیض‌اند که به وسیله اهورامزدا توزیع می‌شود. سه نفر از آنها نیز به زانوی ادب بر زمین نشسته‌اند. از این منظر، حالتی عارفانه برای آنان متصور می‌شود: اینکه گروه برسم به‌دست در حال فیض‌گرفتن از عالم روحانی و گروه نشسته در حال عبادت‌اند تا شایسته گرفتن فیض از اهورامزدا شوند. در بندهشن از آنها با نام امشاسپندان یاد شده و نام آنها عبارت است از: بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد، امرداد و خود هرمزد (دادگی، ۱۳۹۵: ۳۷؛ موله، ۱۳۹۵: ۱۲۱). مطابق با بندهشن «اهورامزدا بر جهان روشنی و اهریمن بر جهان تاریکی فرمانروایی می‌کردند» (دادگی، ۱۳۹۵: ۳۳)؛ چنانکه از تصویر بر می‌آید، اهریمن آنگونه که در دین مزدیسنی وجود دارد، هنوز چندان جنبه زشتی نیافته است؛ زیرا اگر پلیدی می‌داشت، می‌بایست نگارندگان این تصویر دست به زشت‌نگاری می‌زدند. در قسمت سمت راست زروان، آنان که بر پای ایستاده‌اند و با دو دست، شاخه برسم را گرفته‌اند، از فروتنی بیشتری برخوردارند. آنان که در سمت چپ زروان بر پای ایستاده‌اند، با یک دست برسم را گرفته و دست چپ خود را بلند کرده‌اند.

1. David Stronach

قهرمان - خالق شمرده می‌شود. در ژاپن نیز روباه نماد حاصلخیزی و همراه ایناری - خدای برکت و وفور نعمت - است. چینیان نیز اعتقاد دارند روباه تنها حیوانی است که طلوع خورشید را سلام می‌گوید» (شوالیه و گِبران، ۱۳۸۴: ۳/ ۳۶۸-۳۶۵). اهریمن در سمت چپ زروان به صورت نوزادی قوزکرده نقش شده است. مار کبرایی نیز که می‌تواند از نیروهای اهریمن باشد، در این سمت از زروان وجود دارد. ذکرگو دربارهٔ مار کبری می‌گوید «بعضی مجسمه‌های آیین بودایی همراه با نوعی هاله است که از شکل سر و گردن مار کبری تقلید شده است» (ذکرگو، ۱۳۷۷: ۳۴۸). مار نماد «ابلیس، زیرکی، حيله‌گری، تاریکی و اغواگری است» (کوپر، ۱۳۷۹: ۳۳۰). این موجود «در اساطیر مربوط به ویشنو جایگاهی والا دارد» (هال، ۱۳۸۰: ۷۹). به اعتقاد مصریان «مار در آفرینش جهان، سهمی دارد. در کتاب مردگان سخن از یک مار - خدای نر به میان آمده است که جهان را با در آغوش گرفتن آن حفظ می‌کند» (همان: ۹۴). همچنین، «بوتو^۱ ایزدبانوی مار است که در مصر سفلی به‌عنوان حفاظت‌کننده پرستش می‌شد» (ویو، ۱۳۷۵: ۱۸۹). جالب آنکه این مار دست و پا دارد و پیش از دین زرتشت و ادیان ابراهیمی مار هنوز از تقدسش چیزی کم نشده است. در روایات تورات، مار نخست دست و پا داشته است؛ ولی به سبب فریفتن آدم و حوا از بهشت رانده و دست و پایش قطع شد. در تورات آمده است «خداوند خدا به مار گفت: چون این کار را کردی، از جمع بهایم و حیوانات صحرا ملعون تر هستی؛ بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد» (عهد عتیق، سفر پیدایش، باب دوم). مطابق با این روایات «پس از آنکه (مار) آدم و حوا را

می‌فرید، به اصفهان تبعید و روی شکم می‌خزد» (هال، ۱۳۸۰: ۸۹). در بندهشن، مار جزء خرفستران^۲ شمرده شده که اهریمن آن را آفریده است (دادگی، ۱۳۹۵: ۵۲). از دیدگاهی دیگر، مار نماد خدا است (یونگ، ۱۳۹۳: ۱۰۲). در اینجا نمادی از اهریمن است. لباس‌ها همه بالاپوش است و تا نوک پای آنها را پوشانده است. تنها زروان شالی بر کمر دارد که سمت راست آن بر چپ افتاده است و این می‌تواند نشانه‌ای بر برتری اهورامزدا بر اهریمن باشد. در اندیشهٔ تقابلی «همواره یکی را از دیگری بالاتر می‌دانند» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۲۳۸). زروان که در وسط صفحه قرار گرفته است، وحدت‌بخش میان جهان روشنایی و تاریکی یا جهان خیر و شر است. شکل صفحه دایره است؛ آنگونه که یونگ می‌گوید، دایره نماد جنس نر و ماده باهم بوده است (یونگ، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۲). همچنین، «دایره نماد خدا است» (همان: ۹۵). همچنین، دایره می‌تواند نماد جهان باشد و تسلط زروان بر آن را نشان می‌دهد. قد زروان چنان بلند است که تمام صفحه را در بر گرفته است. گویی سرش در آسمان و پایش در زمین است. بر این بنیاد، زروان به‌تنهایی آسمان و زمین را در خود دارد. «در باورشناسی باستانی، آسمان را پدر و زمین را مادر می‌دانستند» (الیاده، ۱۳۹۴: ۷۶). اگر به موه‌های زروان خوب بنگریم، متوجه می‌شویم به کوه شباهت دارد. «جوزف کمبل^۳ باور دارد کوهها نماد بغ بانوان اند (کمبل، ۱۳۷۷: ۲۵۹)؛ بنابراین، برخلاف قیافهٔ مردانهٔ این خدا، باید گفت زنانگی نیز در آن نهفته است. سینه‌های برآمدهٔ او می‌تواند دلالت بر زنانگی او داشته باشد.



تصویر ۲: بخشی از یک لوحه مفرغی به دست آمده از محوطه سرخ دم لری کوهدهشت لرستان، اواخر هزاره دوم ق.م، محل نگهداری موزه ریتبرگ زوریخ (یکتا، ۱۳۹۰: ۱۹).

نتیجه

ساختارگرایی یکی از مکاتب علوم انسانی است که می‌کوشد با توصیف ساختارها به شناختی از حقیقت دست یابد. یکی از مهم‌ترین اصطلاحات در این مکتب، تقابل دوگانه است. تقابل، ریشه در اندیشه بشری دارد و ذهن انسان، مفاهیم را به صورت تقابلی می‌شناسد؛ برای مثال، خوب با بد، روز با شب، گرمی با سردی و ... شناخته می‌شود. لوی استراوس - بنیانگذار این تفکر - از آن برای توصیف و تحلیل اسطوره‌ها بهره برده است. او بر این باور است که باید واحدهای بزرگ‌تر اسطوره را به واحدهای کوچک‌تر تقسیم کرد و مفاهیم استعاری را از درون آن بیرون کشید.

این پژوهش درصدد بررسی دو نگاره از آثار باستانی لرستان است. بر طبق روایات ایران باستان، زروان خدای دو جنسیتی است که اهورامزدا و اهریمن را به دنیا آورده است. دو نگاره مکشوف از لرستان با ویژگی‌های توصیف شده از زروان مطابقت دارند.

در نگاره یک که روی صفحه‌ای نقره‌ای نقش شده، زروان به صورت مردی باب‌بخت و زنی زیبا روی سینه‌اش

نقش شده است. اهورامزدا بر شانه راست و اهریمن بر شانه چپ او قرار دارد. امشاسپندان که همه جوان‌اند، چهار نفر از آنها بر پا خاسته‌اند و سه نفر از آنها نشسته‌اند. در برابر آنها کماریکان قرار دارند که چهار نفر از آنها پیرند و بر پا ایستاده‌اند و سه نفر از آنها نوزاد و روی زمین‌اند؛ بنابراین، تقابل در میان اهورامزدا و اهریمن، امشاسپندان و کماریکان، مرد و زن، جوان و پیر و نوزاد وجود دارد.

در نگاره دو، زروان چهره‌ای مردانه، سینه‌هایی برآمده و موهایی تاج‌مانند و زنانه و به شکل کوه دارد. او بلندقامت است و شالی بر کمر دارد که سمت راست آن بر سمت چپ افتاده است. در سمت راست زروان، روباه و گلی و در سمت چپ او نوزاد و مار کبرایی نقش شده است؛ بنابراین، تقابل در میان اهورامزدا و اهریمن، زن و مرد، روباه و مار کبری، گل و نوزاد وجود دارد.

منابع

۱- آموزگار، ژاله، (۱۳۸۷)، تاریخ اساطیری ایران، تهران، انتشارات سمت، چاپ دهم.

- ۲- اخوت، احمد، (۱۳۹۲)، دستور زبان داستان، اصفهان، انتشارات فردا، چاپ سوم.
- ۳- اکبری مفاخر، آرش، (۱۳۸۷)، «اهریمن پرستی زروانی و نمونه‌های بازمانده از آن»، *نامه ایران باستان*، سال هشتم، شماره ۱ و ۲، صص ۳۱-۲۱.
- ۴- الیاده، میرچا، (۱۳۹۴)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش، چاپ پنجم.
- ۵- ایگلتن، تری، (۱۳۸۰)، پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.
- ۶- برتنس، هانس، (۱۳۸۴)، مبانی نظریه ادبی، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران، انتشارات ماهی، چاپ اول.
- ۷- بنونیست، امیل، (۱۳۸۶)، دین ایرانی، ترجمه بهمن سرکاراتی، تهران، نشر قطره، چاپ سوم.
- ۸- بهار، مهرداد، (۱۳۸۶)، ادیان آسیایی، تهران، نشر چشمه، چاپ ششم.
- ۹- (۱۳۹۳)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، انتشارات توس، چاپ دهم.
- ۱۰- خسروی، یداله، (۱۳۸۳)، «انوشنگی در ایران باستان»، *مجله کتاب ماه هنر*، شماره ۷۵ و ۷۶، صص ۹۷-۸۴.
- ۱۱- دادگی، فرنیغ، (۱۳۹۵)، بندهشن، گزارش مهرداد بهار، تهران، انتشارات توس، چاپ پنجم.
- ۱۲- دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران‌شهر، (۱۳۹۹)، پرستشگاه سرخ‌دم لری، برگرفته از لینک: <http://iranshahrpedia.com/view/32339>
- ۱۳- ذکرگو، امیرحسین، (۱۳۷۷)، اسرار اساطیر هند، تهران، انتشارات فکر روز، چاپ اول.
- ۱۴- زهر، آر سی، (۱۳۸۴)، زروان یا معمای زرتشتی-گری، ترجمه تیمور قادری، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ۱۵- ژینیو، فیلیپ، (۱۳۹۵)، انسان و کیهان در ایران باستان، ترجمه لیندا گودرزی، تهران، نشر ماهی، چاپ دوم.
- ۱۶- شایگان‌فر، حمیدرضا، (۱۳۸۴)، نقد ادبی، تهران، انتشارات دستان، چاپ سوم.
- ۱۷- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن، (۱۳۸۴)، فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، ۵ جلد، تهران، انتشارات جیحون، چاپ دوم.
- ۱۸- علیزاده، سیامک، (۱۳۹۶)، «بررسی ارتباط بین نقوش و کاربرد آنها در سرسنجاق‌های مفرغی لرستان»، *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، شماره ۱۹، صص ۱۲۵-۱۰۹.
- ۱۹- عهد عتیق، (۱۳۹۸)، ۳۰ تیر، برگرفته از لینک: http://files.tarikhema.org/pdf/story/bible/Gadim/01_genesis.pdf
- ۲۰- کالیکان، ویلیام، (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها، ترجمه گودرز اسعد بختیار، تهران، انتشارات پازینه، چاپ دوم.
- ۲۱- کاویانی پویا، حمید، پیله‌وربان، زهرا، (۱۳۹۵)، «بررسی فلسفه زروان در تفکرات دینی بر پایه اندرزنامه‌های پهلوی»، *مجله مطالعات ایرانی*، سال پانزدهم، شماره ۳۰، صص ۱۵۳-۱۳۳.
- ۲۲- کریستن‌سن، آرتور، (۱۳۸۸)، مزدپرستی در ایران قدیم، ترجمه ذبیح‌الله صفا، تهران، انتشارات هیرمند، چاپ ششم.
- ۲۳- کمبل، جوزف، (۱۳۷۷)، قدرت اسطوره، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
- ۲۴- کوپر، جی‌سی، (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، انتشارات فرشاد، چاپ اول.
- ۲۵- گرین، ویلفرد، مورگان، لی، لیبر، ارل و جان ویلینگهم، (۱۳۸۰)، مبانی نقد ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم.

- ۳۷- هینلز، جان، (۱۳۸۶)، شناخت اساطیر ایرانی، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، انتشارات چشمه، چاپ دوازدهم.
- ۳۸- یکتافر، مریم، (۱۳۹۰)، «شاهکارهای مفرغی لرستان»، نشریه هنرهای تجسمی، دوره جدید، شماره ۱۲، صص ۱۸-۱۴.
- ۳۹- یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۹۳)، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران، انتشارات جامی، چاپ نهم.
- ۴۰- -----، (۱۳۷۰)، خاطرات، رویاها، اندیشه‌ها، ترجمه پروین فرامرزی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ۴۱- -----، (۱۳۹۰)، روانشناسی و دین، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هفتم.
- 42- Cuddon, John Anthony (1999) A Dictionary of Literary Terms, London, Pinguin Books. Fourth Edition.
- 43- Eznik (2011), Refutation of the Sects: A Retelling of Yeznik Koghbatsi's Apology, Translated by Thomas J. Samuelian, Unknown, the University of Michigan, St. Vartan Press. First edition.
- 44- Fourie, Pieter Jacobus (2007), Media Studies, Vol 1. Cape Town, Jata & Co. Ltd. Second edition.
- 45- Levi-Strauss, Claude (1974), Anthropology Structural, Vol II. Diterjemakhan Oleh M. Kyton.: New York, Pinguins Books.
- 46- Schmidt, E. F.; Van Loon, M.N., & ۲۶- گزیده‌های زاداسپریم، (۱۳۶۶)، ترجمه راشد محصل، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
- ۲۷- گیرشمن، رومن، (۱۳۹۰)، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۲۸- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۶۷)، «تاریخ‌گذاری سرسینجاق‌های مفرغی لرستان»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۵-۳.
- ۲۹- موله، ماریان، (۱۳۹۵)، آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان، ترجمه محمد میرزایی، تهران، نشر نگاه معاصر، چاپ اول.
- ۳۰- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۷۶)، مروی بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی ایران، چاپ اول.
- ۳۱- نیبرگ، هنریک ساموئل، (۱۳۸۳)، دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ اول.
- ۳۲- واندنبرگ، لویی، (۱۳۷۹)، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۳۳- وکیلی، شروین، (۱۳۹۱)، درباره زمان، ژروان بی‌کرانه، تهران، نشر شورآفرین، چاپ اول.
- ۳۴- ویو، ژ، (۱۳۷۵)، اساطیر مصر، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، انتشارات کاروان، چاپ اول.
- ۳۵- هال، جیمز، (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- ۳۶- هژبری نوبری، علیرضا و سبزی دوآبی، موسی، (۱۳۹۰)، «سنجاق‌های میله‌ای لرستان»، نشریه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره سوم، شماره ۲، صص ۱۸۸-۱۶۵.

Curvers, H. H (1989), The Holmes Expeditions to Luristan, Chicago, Text, Oriental Institute Publication 108.